

حرمت استمناء

بحث در ادله حرمت استمناء بود. گفتیم اصل حرمت استمناء جزو مسلمات مذهب شیعه است. و از آیات قرآن علاوه بر آیات سوره مومنون و معارج، آیه سوره نور نیز بر حرمت استمناء دلالت دارد. آقای خوبی به خود مفهوم غض بصر استدلال کردند و گفتند مفاد این جمله چشم پوشی است یعنی مومنین باید از امور مناسب با فرج چشم پوشی کنند و از جمله امور مناسب با فرج استمناء است و قبلا هم گفتیم روایات وارد شده در این مضمون که این آیه در مورد نظر است بر خلاف آیات دیگر که در مورد زناست، در مقام بیان حصر مفاد آیه شریفه در نظر نیست بلکه ذکر این است که این آیه علاوه بر بیان حرمت زنا و امثال آن، بر حرمت نظر هم دلالت دارد. اما ظاهر آیه شریفه با ادعای مرحوم آقای خوبی سازگار نیست چون باید بر معنای کنایی حمل شود.

ما برای حرمت استمناء به ذیل آیه شریفه سوره نور تمسک کردیم که امر به حفظ فرج است و گفتیم مفاد آن مطلق است یعنی مردان و زنان باید فرج را از همه امور مرتبط با آن حفظ کنند و از جمله امور مرتبط با فرج استمناء است. آیه همان طور که در مورد مردان اطلاق دارد آیه امر به حفظ فرج در مورد زنان نیز اطلاق دارد و استمناء بر زنان نیز حرام است البته بنابر قول صحیح که زن هم منی دارد اما حتی اگر زن دارای منی هم نباشد و استمناء در مورد او بی معنا باشد با این حال نفس تشهی و خود ارضایی مشمول آیه شریفه است.

شاهد این استدلال هم این است که در برخی روایات امام علیه السلام برای حرمت زنا به آیه شریفه سوره مومنون یا معارج استدلال کرده‌اند که در آن مساله حفظ فرج ذکر شده است.

استدلال به آیات شریفه سوره مومنون و معارج هم بر حرمت استمناء واضح است و در برخی روایات هم به این آیات برای حرمت استمناء استدلال شده است:

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بَنِي عَيْسَى فِي نَوَادِرِهِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: سُئِلَ الصَّادِقُ عَ عَنِ الْخَصْخَصَةِ فَقَالَ إِثْمٌ عَظِيمٌ قَدْ نَهَى اللَّهُ عَنْهُ فِي كِتَابِهِ- وَفَاعَلُهُ كُنَاكِحَ نَفْسِهِ وَ لَوْ عَلِمْتَ بِمَا يَفْعَلُهُ مَا أَكَلْتَ مَعَهُ فَقَالَ السَّائِلُ فَبَيَّنْ لِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ فِيهِ فَقَالَ قَوْلُ اللَّهِ فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأَوْلَيْكَ هُمُ الْعَادُونَ وَ هُوَ مِمَّا وَرَاءَ ذَلِكَ فَقَالَ الرَّجُلُ أَيُّمَا أَكْبَرُ الرِّزَا أَوْ هِيَ فَقَالَ هُوَ ذَنْبٌ عَظِيمٌ قَدْ قَالَ الْقَائِلُ بَعْضُ الذَّنْبِ أَهْوَنُ مِنْ بَعْضِ وَ الذُّنُوبُ كُلُّهَا عَظِيمٌ عِنْدَ اللَّهِ لِأَنَّهَا مَعْاصِي وَ أَنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مِنَ الْعِبَادِ الْعُضْيَانَ وَ قَدْ نَهَاَنَا اللَّهُ عَنْ ذَلِكَ لِأَنَّهَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ وَ قَدْ قَالَ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ (وسائل الشيعة، جلد ۲۸، صفحه ۳۶۴)

در این آیات هم «فَأَنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ» به مفهوم بر حرمت استمناء دلالت می‌کند و هم منطوق «فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأَوْلَيْكَ هُمُ الْعَادُونَ» بر آن دلالت دارد.

یکی دیگر از آیاتی که بر حرمت استمناء دلالت دارند آیات امر به اجتناب از فاحشه است. و فاحشه در برخی از کتب لغت به هر فعل و قول قبیحی معنا شده است و استمناء عرفاً فعل قبیح و زشتی است.

ابن سیده در المحکم:

فحش الفُحْشُ و الفحشاء و الفاحِشَةُ، القبیحُ من القول و الفِعل

ابن فارس در معجم مقاییس:

فحش الفاء و الحاء و الشین کلمةٌ تدلُّ علی قُبْحٍ فی شیء و سَنَاعَةٍ.

راغب در مفردات:

الفُحْشُ و الفَحْشَاءُ و الفَاحِشَةُ: ما عظم قبحه من الأفعال و الأقوال

حمیری در شمس العلوم:

[الفاحشة]: كل فعلة قبيحة من زنى و غيره

ابن اثیر در النهاية:

و قد تكرر ذكر «الفُحْش و الفَاحِشَة و الفَوَاحِش» في الحديث. و هو كل ما يشتد قبحه من الذنوب و المعاصي. و كثيرا ما ترد الفَاحِشَة بمعنى الزنا. و كلّ خصلة قبيحة فهي فَاحِشَة، من الأقوال و الأفعال.

و...

بر این اساس آیات متعددی که بر نهی از فحشاء دلالت دارند بر حرمت استمناء هم دلالت خواهند داشت.

حتی بعید نیست کلمه منکر نیز شامل استمناء باشد چون منکر فقط به منکرات شرعی اختصاص ندارد بلکه منکرات عرفی را هم شامل است و بر این اساس آیات نهی از منکر بر حرمت استمناء دلالت دارند.

باید دقت کرد که اینکه عرف مرتکب کاری شوند به معنای این نیست که آن را قبیح یا منکر نمی‌شمارند بلکه بسیاری از مواقع عرف با اینکه قبح و زشتی کاری را قبول دارد با این حال مرتکب می‌شود. هم چنین بین قبح و حیا تفاوت است. بعضی امور عرف از آنها حیا می‌کند اما قبیح نیست.